فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/ سال دوم/ شماره۵ / بهار۸۹/ صفحات۵۶- ۳۹

ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی عرب صالحی*
محمدعلی ضیایی**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۵ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۸۹/۲/۸

چکیده

در این پژوهش، رابطه بین کیفیت سود و برخی از ویژگی‌های هیأت مدیره (به عنوان اصلی‌ترین ساز وکار نظام راهبری شرکت) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. این ویژگی‌ها شامل تفکیک پست مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره شرکت، تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره شرکت می‌باشد. در این پژوهش، کیفیت سود، بر اساس مفهوم رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد و با معیار نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی به سود عملیاتی سنجیده شده است. تعداد ۱۵۶ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین کیفیت سود با تفکیک پست مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره شرکت، رابطه‌ای وجود ندارد اما بین کیفیت سود با نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره شرکت، رابطه وجود دارد. آزمون فرضیه‌های پژوهش، به طور کلی نشان داد که ویژگی‌های هیأت مدیره شرکت‌ها که بخشی از ساز وکارهای نظام راهبری شرکت محسوب می‌شوند، تأثیر معناداری بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت سود، نظام راهبری شرکت، مدیران غیرموظف، اندازه هیأت مدیره

---

* استادیار و عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه اصفهان
** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه(نویسنده مسئول)
Email: mohammadali.8500@yahoo.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۱- مقدمه

سود حسابداری، یکی از معیارهای اساسی در تصمیم گیری‌های اقتصادی است اما وجود برآوردها و روش‌های گوناگون در حسابداری، اعتبار و قابلیت اتکای این سود را مخدوش می‌کند. در کنار این موارد، وجود برخی پیش زمینه‌ها نظیر تضاد منافع بین مدیران و مالکان شرکت‌ها، تردیدها را نسبت به قابلیت اطمینان سود، افزایش می‌دهد. نظام راهبری شرکت، که شامل برخی ساز و کارهای هدایت امور شرکت است، ضمن پیشبرد امور شرکت، بر فعالیت‌ها نظارت داشته و در نتیجه، امکان اعمال خواسته‌های شخصی مدیران شرکت را به حداقل می‌رساند. از این رو، انتظار می‌رود که با اجرا و تقویت ساز و کارهای راهبری شرکت، کیفیت گزارشگری مالی شرکت و از جمله سود ارائه شده آن نیز افزایش یابد. یکی از عوامل مؤثر بر راهبری شرکت‌ها، هیأت مدیره آنهاست که می‌تواند به گونه‌های مختلفی بر عملیات شرکت و نتایج آن، تأثیر بگذارد. در این پژوهش ابتدا مبانی نظری مربوط به کیفیت سود و نظام راهبری ارائه شده است. در ادامه، ضمن اشاره به برخی پژوهش‌های صورت گرفته خارجی و داخلی مرتبط با موضوع پژوهش، فرضیه‌ها، انواع متغیرهای به کار رفته در پژوهش، جامعه آماری، نمونه آماری و مدل پژوهش ارائه شده است. در این پژوهش تلاش شده است که بر اساس یک روش علمی، رابطه بین سه ویژگی از ویژگی‌های هیأت مدیره، با کیفیت سود ارائه شده شرکت بررسی شود. سه ویژگی هیأت مدیره شرکت شامل تفکیک بین پست مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره، تعداد مدیران غیرموظف هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره است. کیفیت سود نیز بر اساس مفهوم رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد تعریف شده و با معیار نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی[1] به سود عملیاتی[2] ($\frac{CFO}{OE}$) سنجیده می‌شود. پس از آزمون فرضیه‌ها و ارائه و تجزیه و تحلیل نتایج آزمون فرضیه‌ها برخی پیشنهادهای حاصل از نتایج پژوهش همچنین برخی پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی بیان شده است.

۲- چارچوب نظری پژوهش

سود یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد به شمار می رود. محاسبه سود، متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است. به همین دلیل و دلائلی نظیر پاداش مدیران، امکان دستکاری سود توسط مدیریت وجود دارد؛ از این رو موضوع کیفیت سود مورد توجه قرار گرفته

[1] . Cash Flows from Operation (CFO)
[2]. Operating Earning

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

است. کیفیت سود را می توان از دو دیدگاه مفید بودن برای تصمیم‌گیری و سود اقتصادی هیکس[1] تعریف کرد. سود اقتصادی هیکس، بیانگر مبالغی است که می‌توان طی یک دوره مالی (در قالب سود تقسیم شده) مصرف نمود؛ در حالی که ثروت ابتدا و انتهای دوره مالی برابر باشد. به عبارت دیگر، این تعریف از سود، بیانگر تغییر در خالص دارایی‌های اقتصادی شرکت، به جز مبادلات مالکانه است (هیکس، ۱۹۳۹). کیفیت سود عبارت است از بیان صادقانه سود گزارش شده از سود مد نظر هیکس؛ یعنی کیفیت سود بالا، نشان دهنده مفید بودن اطلاعات سود برای تصمیم گیری استفاده کنندگان همچنین مطابقت بیشتر آن با سود اقتصادی هیکس می‌باشد (شیپر و وینسنت[2]، ۲۰۰۳). کیفیت سود را می توان بر اساس یکی از مبانی چهارگانه: ۱) ویژگی های سری‌های زمانی سود، ۲) رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد، ۳) خصوصیات کیفی چارچوب مفهومی هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی[3] و ۴) اجرای تصمیم بیان نمود (شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳). در مبنای دوم، مفهوم کیفیت سود بر اساس رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد تعریف می‌شود و در آن، سودی با کیفیت است که به وجه نقد نزدیک‌تر بوده و دارای قابلیت استمرار و پیش‌بینی باشد. در این مبنا، اعتقاد بر این است که اقلام تعهدی، کیفیت سود را کاهش می‌دهند. یکی از معیارهای اندازه گیری کیفیت سود در این مبنا که در این پژوهش نیز به کار رفته است، نسبت وجه نقد حاصل از عملیات به سود عملیاتی ($\frac{CFO}{OE}$) است که در نوشته‌های گوناگونی همچون نوشته هریس و همکاران[4] (۲۰۰۰) و پنمان[5] (۲۰۰۱) به آن اشاره شده است. آنها بیان کرده‌اند که در این نسبت، هر چقدر سود به وجه نقد نزدیک‌تر باشد کیفیت سود بالاتر است.

وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان در کنار عواملی همچون ابقا و پاداش مدیران، زمینه‌ساز مدیریت سود می‌شود (واتس و زیمرمن[6]، ۱۹۸۶). در سال‌های اخیر و به دنبال ورشکستگی شرکت‌های بزرگ دنیا، پژوهشگران و تحلیل‌گران مالی، توجه خود را از تأکید صرف بر رقم سود، به سوی کیفیت سود معطوف نموده‌اند. به دلیل اهمیت وجود ساز و کارهای لازم برای دستیابی به کیفیت مطلوب سود، اکثر کشورها، تلاش‌هایی را برای فراهم آوردن آن انجام داده‌اند. از جمله این ساز و کارها، وجود یک نظام راهبری مناسب در شرکت‌ها و

---

1. Hicks
2. Schipper & Vincent
3. Financial Accounting Standards Board (FASB)
4. Harris, et al.
5. Penman
6. Watts & Zimmerman

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

بنگاه‌های اقتصادی است (بولو، ۱۳۸۵). آنچه از تعاریف مختلف ارائه شده برای نظام راهبری برمی‌آید این است که نظام راهبری شرکت، مجموعه ساز و کارهایی است که ضمن ایجاد شفافیت در عملیات و گزارشگری شرکت، منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع در شرکت را تأمین می‌کند. در واقع، نظام راهبری شرکت، به دنبال کاهش تضاد منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع در شرکت است که از این طریق، فرصت‌های مدیریت سود کاهش و کیفیت گزارشگری سود افزایش می‌یابد. مسأله اصلی این پژوهش، تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر کیفیت سود شرکت‌ها است. از آنجا که در این پژوهش، سه ویژگی هیأت مدیره در نظر گرفته شده است بنابراین سه پرسش فرعی مطرح گردیده است که عبارتند از:

آیا تفکیک بین پست مدیر عامل و رییس هیأت مدیره، تأثیری بر کیفیت سود شرکت‌ها دارد؟

آیا حضور اعضای غیر موظف، در ترکیب هیأت مدیره شرکت‌ها، تأثیری بر کیفیت سود شرکت دارد؟

آیا اندازه هیأت مدیره شرکت‌ها، تأثیری بر کیفیت سود آنها دارد؟

۳- اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، تعیین تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری شرکت‌ها در خصوص هیأت مدیره همچنین بازخوردی بر آیین نامه نظام راهبری (منتشر شده توسط بورس اوراق بهادار تهران) باشد. اهداف فرعی پژوهش نیز عبارتند از:

۱- تعیین میزان تأثیر تفکیک پست مدیر عامل از ریاست هیأت مدیره بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛

۲- تعیین میزان تأثیر حضور اعضای غیر موظف در ترکیب هیأت مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر کیفیت سود شرکت‌ها؛

۳- تعیین میزان تأثیر اندازه هیأت مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بر کیفیت سود شرکت‌ها.

نتایج حاصل از این پژوهش می تواند توسط سهامداران، مدیران، تحلیل‌گران مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاران بالقوه و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد استفاده قرار گیرد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۴- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در خصوص ویژگی‌های هیأت مدیره شرکت‌ها صورت گرفته است که در این قسمت، برخی از آنها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در پژوهش هرمالین و ویسباک[1] (۱۹۹۱)، بین نسبت مدیران غیر موظف و Q توبین، ارتباطی مشاهده نگردید. بر اساس پژوهش پیل و اودنل[2] (۱۹۹۵)، تفکیک وظایف رییس هیأت مدیره و مدیرعامل، از جمله محرک‌هایی است که به دلیل اعطای استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری، موجب کاهش مشکل نمایندگی و بهبود عملکرد شرکت می‌شود؛ البته در نقطه مقابل، دیلی و دالتون[3] (۱۹۹۷)، همبستگی مثبت و معناداری بین عملکرد شرکت و تقسیم وظایف مدیران ارشد و مدیران اجرایی پیدا نکردند. بیزلی[4] (۱۹۹۶)، در پژوهش خود دریافت که حضور اعضای غیرموظف هیأت مدیره، احتمال تقلب در ارائه صورت‌های مالی را کاهش داده است. کلین[5] (۲۰۰۲) نیز شواهدی را در رابطه با استقلال اعضای هیأت مدیره و دستکاری سود فراهم آورد که نشان می‌داد شرکت‌هایی که اعضای هیأت مدیره آنها، مستقل از مدیران اجرایی بودند، اقلام تعهدی غیرعادی کمتری گزارش کرده‌اند.

یرماخ[6] (۱۹۹۶)، در پژوهش خود با بررسی عملکرد ۴۵۲ شرکت صنعتی آمریکا در خلال سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ دریافت که ارتباطی معکوس، بین اندازه هیأت مدیره و ارزش شرکت وجود دارد؛ همچنین در شرکت‌های بزرگی که در آنها، پست مدیر عامل از رییس هیأت مدیره جداست، ضریب قیمت به ارزش دفتری، بالاتر است.

گریکو وهاکینز[7] (۱۹۹۹) در پژوهش خود دریافتند که هر چه اندازه هیأت مدیره شرکت، کوچک تر باشد میزان اقلام تعهدی اختیاری آن نیز کمتر شده و امکان مدیریت سود، کمتر خواهد بود.

وافیس[8] (۲۰۰۰) ارتباط دو عامل حضور مدیران بیرونی (غیر موظف) و اندازه هیأت مدیره را با آگاهی بخشی سود در ۳۰۷ شرکت آمریکایی طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ بررسی نمود. وی در پژوهش خود دریافت که بین اندازه هیأت مدیره و محتوای اطلاعاتی سود، یک ارتباط

---

1. Hermalin & Weisbach
2. Peel & O'Donnell
3. Daily & Dalton
4. Beasley
5. Klein
6. Yermack
7. Guercio & Hawkins
8. Vafeas

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

منفی وجود دارد اما بین نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیأت مدیره، با محتوای اطلاعاتی سود، رابطه‌ای وجود ندارد.

پژوهش انجام شده توسط رامسی و مسر[1] (۲۰۰۵)، رابطه کیفیت سود را با جنبه‌هایی از نظام راهبری شرکت شامل مالکیت مدیریتی سهام، ساختار (استقلال) هیأت مدیره و تعداد اعضای هیأت مدیره بررسی نموده است. در این پژوهش، کیفیت سود بر مبنای مجموع اقلام تعهدی، اندازه گیری شده و از معیارهای نظام راهبری شرکت نیز، درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، تعداد مدیران مستقل و تعداد اعضای هیأت مدیره مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و کیفیت سود، یک رابطه غیر خطی وجود دارد؛ بین نسبت مدیران مستقل هیأت مدیره و کیفیت سود، یک رابطه مثبت وجود دارد و بین اندازه هیأت مدیره و سطح کیفیت سود، رابطه‌ای وجود ندارد.

باگات و بلتن[2] (۲۰۰۸) ارتباط بین نظام راهبری و عملکرد شرکت‌ها را طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ بررسی نمودند. در ارزیابی عملکرد، از دو معیاربازده دارایی‌ها و Q توبین استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بین تفکیک پست‌های مدیر عامل و رییس هیأت مدیره با عملکرد فعلی و آتی شرکت، یک ارتباط قوی و مثبت وجود دارد؛ همچنین ارتباط بین میزان استقلال هیأت مدیره با عملکرد فعلی و آتی شرکت، منفی است. از دید آنها دلیل این ارتباط منفی، این بود که هیأت مدیره شرکت‌ها به تازگی به رعایت استقلال، ملزم شده‌اند.

چنگ[3] (۲۰۰۸) ارتباط بین اندازه هیأت مدیره و تغییر در عملکرد ۱۲۵۲ شرکت آمریکایی را در طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ بررسی نمود. شواهد نشان داد که ارتباط بین اندازه هیأت مدیره با بازده ماهیانه سهام، بازده سالانه دارایی‌ها، Q توبین، اقلام تعهدی، اقلام غیر عادی، مخارج تحقیق و توسعه و سطح آن، منفی است.

جیانگ و همکاران[4] (۲۰۰۸) ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود شرکت‌های آمریکایی را طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ بررسی نموده‌اند. آنها برای اندازه گیری متغیر نظام راهبری از *GOV-score* و برای محاسبه اقلام تعهدی، از مدل تعدیل شده جونز استفاده کرده و دریافتند که بین نظام راهبری و کیفیت سود، رابطه‌ای قوی وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه سطح نظام راهبری شرکت بالاتر باشد میزان اقلام تعهدی اختیاری آن کمتر و در نتیجه، کیفیت سود، بالاتر خواهد بود.

---

1. Ramasay & Mather
2. Bhagat & Bolton
3. Cheng
4. Jiang, et al.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

چنگ و سان[1] (۲۰۰۹) ارتباط بین کیفیت سود و برخی ساز و کارهای راهبری را در بین شرکت‌های بیست کشور و در دو حالت قبل و بعد از اجرای قانون ساربینز-آکسلی[2] بررسی نمودند. برای ارزیابی کیفیت سود، از معیار ضریب واکنش سود استفاده گردید. آنها دریافتند که پس از اجرای این قانون، آگاهی بخشی (محتوای اطلاعاتی) سود، ارتباطی قوی با استقلال کمیته حسابرسی و استقلال هیأت مدیره دارد؛ در حالی که پیش از اجرای این قانون، چنین ارتباطی وجود ندارد. آنها همچنین بیان کردند که پس از اجرای این قانون، رابطه بین آگاهی‌بخشی سود و عدم تفکیک پست‌های مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره، منفی بوده است. یافته‌های پژوهش بیان نمود که در هر دو دوره ی قبل و بعد از اجرای این قانون، بین کیفیت سود و شاخص کلی نظام راهبری، ارتباطی مثبت وجود دارد؛ البته یافته‌های پژوهش مشخص نمود که مقررات وضع شده در این قانون، میزان کیفیت سود را ارتقا بخشیده است.

اسماعیلی (۱۳۸۵) در پژوهش خود، ارتباط بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های نظام راهبری را در بین ۱۳۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳بررسی نمود. کیفیت سود، بر اساس معیار اقلام تعهدی، ارزیابی گردید. پس از آزمون فرضیه‌های پژوهش، مشخص گردید که بین کیفیت سود با درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و تعداد اعضای غیرموظف هیأت مدیره، رابطه‌ای وجود ندارد؛ اما بین اقلام تعهدی و درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، رابطه‌ای غیرخطی مشاهده گردید. آزمون فرضیه‌ها نشان داد تعداد مدیران غیرموظف و درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره، در ارتقای کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، نقش بااهمیتی ندارند.

رضایی (۱۳۸۷) تأثیر هیأت مدیره را، به عنوان یکی از ابزارهای نظام راهبری شرکت، بر عملکرد ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ بررسی نمود. معیار سنجش تأثیر هیأت مدیره بر عملکرد شرکت، نسبت مدیران غیر موظف هیأت مدیره و معیارهای سنجش عملکرد شامل بازده حقوق صاحبان سهام، حاشیه سود خالص و ناخالص و متوسط رشد فروش و سود خالص بود. او دریافت که بین نسبت اعضای غیر موظف در ترکیب هیأت مدیره، با هیچ کدام از معیارهای عملکرد، رابطه معناداری وجود ندارد.

[1]. Chang & Sun
[2]. Sarbanes- Oxley

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۵- فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش به دنبال روشن ساختن این مسأله است که آیا ویژگی‌های هیأت مدیره، بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیرگذار است. بر اساس مفاهیم گفته شده، فرضیه‌های پژوهش، به این صورت بیان می‌شود:

فرضیه اصلی:

بین نظام راهبری و کیفیت سود، ارتباطی معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. بین کیفیت سود با تفکیک میان پست‌های مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد.

۲. بین کیفیت سود و نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره، ارتباطی معنادار وجود دارد.

۳. بین کیفیت سود و تعداد اعضای هیأت مدیره (اندازه هیأت مدیره) شرکت‌ها، ارتباط معناداری وجود دارد.

۶- روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های توصیفی است که به صورت تجربی، تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره شرکت‌ها را بر کیفیت سود آنها بررسی می‌کند. از سوی دیگر، این پژوهش از نوع همبستگی است که در آن، تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه انجام می‌شود.

۷- متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش شامل سه گروه متغیر وابسته، متغیرهای مستقل و متغیرهای کنترلی است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

الف) متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش، کیفیت سود ارائه شده شرکت‌هاست که بر اساس معیار نسبت وجوه نقد عملیاتی به سود عملیاتی ($\frac{CFO}{OE}$)، محاسبه می‌شود. دو رقم موجود در این نسبت از صورت گردش وجوه نقد و صورت سود وزیان که بخشی از گزارش مالی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند، به دست می‌آید.

رابطه ۱:

$$EQ = \frac{CFO}{OE}$$

ب) متغیرهای مستقل

در این پژوهش، سه ویژگی تفکیک پست مدیر عاملی شرکت از ریاست هیأت مدیره آن، نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیأت مدیره و تعداد اعضای هیأت مدیره (اندازه هیأت مدیره)، به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش در نظر گرفته شده است تا تأثیر آنها بر متغیر وابسته یعنی کیفیت سود شرکت‌ها بررسی شود. اطلاعات مربوط به متغیرهای مستقل از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی که بخشی از گزارش مالی شرکت‌ها محسوب می‌شود به دست آمده است. متغیر تفکیک پست مدیر عامل از ریاست هیأت مدیره، به صورت صفر و یک بیان شده است یعنی چنانچه در شرکتی این دو پست از یکدیگر مجزا باشد، به متغیر تفکیک پست‌ها، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر اختصاص یافته است. برای محاسبه متغیر مستقل دیگر (نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیأت مدیره)، با مراجعه به یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی شرکت‌ها، تعداد مدیران غیر موظف را به دست آورده و بر تعداد کل اعضای هیأت مدیره شرکت تقسیم نموده‌ایم. منظور از مدیر غیرموظف، عضوی از هیأت مدیره است که در شرکت، سمت اجرایی ندارد. برای محاسبه مقدار متغیر سوم نیز تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت، استخراج شده است. نام اعضای هیأت مدیره شرکت، معمولاً در ابتدای گزارش مالی شرکت می‌آید.

ج) متغیرهای کنترلی

گاهی در بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش، عوامل دیگری نیز مؤثر هستند که در نظر نگرفتن آنها می‌تواند باعث نتیجه گیری نادرستی از پژوهش شود. در این پژوهش نیز علاوه بر عوامل اصلی پژوهش که به عنوان متغیر مستقل معرفی شده‌اند برخی عوامل جانبی، بر کیفیت سود ارائه شده شرکت‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. پژوهش جیانگ و همکاران

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

(۲۰۰۸)، از جمله پژوهش‌هایی است که در آن ضمن بررسی تأثیر ساز و کارهای نظام راهبری بر کیفیت سود شرکت‌ها، برخی عوامل جانبی تأثیرگذار بر کیفیت سود شرکت نیز ارائه شده است. اندازه شرکت و نسبت بدهی‌های شرکت، از جمله این عوامل هستند.

برخی صاحب نظران همچون واتس و زیمرمن (۱۹۷۸) معتقدند شرکت‌های بزرگ، در مقایسه با شرکت‌های کوچک‌تر، هزینه‌های سیاسی بیشتری می‌پردازند. باور آنها این است که این شرکت‌ها به دلیل تأثیر گذاری بیشتر بر بازار سرمایه، مورد بررسی و موشکافی‌های بیشتر سرمایه گذاران و تحلیل‌گران مالی قرار دارند؛ در این صورت، این گونه شرکت‌ها انگیزه بیشتری برای ارائه سود کمتر، خواهند داشت. برخی افراد همچون لوبو و ژو[1] (۲۰۰۶) در پژوهش خود بیان کرده‌اند که شرکت‌های بزرگ، به دلیل پیچیدگی در فعالیت‌ها و عملیات و همچنین عدم امکان رسیدگی از سوی استفاده کنندگان اطلاعات، فرصت‌های بیشتری برای ارائه بیش از واقع[2] سود دارند. دیگر عامل جانبی، نسبت بدهی‌های شرکت است. نتایج پژوهش‌های گوناگون، تأثیر متفاوتی از این متغیر ارائه داده است. به عنوان مثال، دیفوند و جیامبالوو[3] (۱۹۹۴)، از تأثیر بدهی شرکت بر انگیزه مدیران، جهت ارائه نادرست سود به دلیل نگرانی آنها از جانب مؤسسه‌های اعتبار دهنده سخن گفته‌اند. در مقابل نیز، لارکر و ریچاردسون[4] (۲۰۰۶) شواهدی از تأثیر مثبت بدهی‌ها بر کیفیت سود ارائه شده، به دلیل نظارت مؤثر اعتبار دهندگان و تأمین‌کنندگان غیر سهامدار سرمایه شرکت ارائه کرده‌اند.

در این پژوهش نیز از این دو متغیر کنترلی، استفاده شده است. اندازه شرکت از طریق محاسبه لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های آن و نسبت بدهی‌ها نیز از تقسیم مجموع بدهی‌های شرکت بر مجموع دارایی‌های آن، به دست آمده است. در برخی پژوهش‌های مرتبط داخلی از جمله پژوهش‌های اسماعیلی (۱۳۸۵)، قنبری (۱۳۸۶) و رضایی (۱۳۸۷) نیز از این متغیرهای کنترلی استفاده شده است.

برای بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و کیفیت سود شرکت، از مدل ۱ استفاده شده است:

مدل۱: $Eq_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Dual_{i,t} + \alpha_2 RNE_{i,t} + \alpha_3 BS_{i,t} + \alpha_4 FS_{i,t} + \alpha_5 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$

که در آن:

α_i: ضرائب متغیرهای معادله

---

1. Lobo & Zhou
2. Overstatement
3. DeFond & Jiambalvo
4. Larcker & Richardson

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

$Eq_{i,t}$ کیفیت سود شرکت i در سال t

$Dual_{i,t}$ تفکیک بین پست‌های مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره

$RNE_{i,t}$: نسبت مدیران غیرموظف هیأت مدیره

$BS_{i,t}$ اندازه هیأت مدیره

$FS_{i,t}$ اندازه شرکت

$Lev_{i,t}$ نسبت بدهی‌های شرکت

$\varepsilon_{i,t}$ جمله باقیمانده[1] می‌باشد.

۸- جامعه آماری و نمونه آماری پژوهش

برای انجام این پژوهش، آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که دارای شرایط زیر بودند به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند:

۱- پیش از سال ۱۳۸۲، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛

۲- جزء شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشند؛

۳- به منظور افزایش قابلیت مقایسه نتایج، سال مالی آنها، به پایان اسفند ماه منتهی شود؛

۴- در تمام دوره مورد بررسی، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛

۵- در طی دوره مورد بررسی، سال مالی خود را تغییر نداده باشند؛

۶- اطلاعات مورد نیاز برای انجام پژوهش، در دسترس باشد.

با توجه به شرایط بیان شده، تعداد ۱۵۶ شرکت به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. تمامی این شرکت‌ها به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. دوره زمانی پژوهش نیز از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ در نظر گرفته شده است.

داده‌های مورد نیاز پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادکاوی گردآوری شده است. برای بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع پژوهش استفاده شده و برای محاسبه متغیرهای پژوهش نیز، داده‌های مورد نیاز، از صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه، استخراج شده است .این داده‌ها، از طریق آرشیوهای الکترونیکی سازمان بورس اوراق بهادار تهران[2] و استفاده از لوح‌های فشرده اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به دست آمده است. پس از جمع‌آوری داده‌های آماری، ابتدا این داده‌ها در محیط نرم افزار

[1]. Residual
[2]. www.rdis.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

صفحه گسترده اکسل مرتب شده و پس از انجام محاسبه‌های مورد نیاز، تجزیه و تحلیل نهایی آنها به کمک نرم افزار *Eviews* انجام شده است.

۹- آزمون فرضیه‌ها

پیش از انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش باید از برقراری برخی فرض‌های اولیه اطمینان حاصل نمود. برقراری این فرض‌ها که شامل نرمال بودن توزیع مانده‌ها، همسانی واریانس مانده‌ها، خود همبستگی بین مانده‌ها و هم خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشند، برای انجام تخمین رگرسیون لازم است. پس از انجام آزمون‌های لازم و اطمینان از برقراری فرض‌ها، درستی یا نادرستی فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفت. برای پردازش داده‌ها و تخمین معادله رگرسیون، از تکنیک حداقل مربعات ادغامی، استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح کل شرکت‌ها و با استفاده از کلیه متغیرهای مورد بررسی در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح کل شرکت‌ها

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی داری
C	۱,۱۳۸۱۱۸	۳,۳۹٦۷۰٤	۰,۰۰۰۷
DUAL	۰,۱۳۹٦۰۹	۰,٤۹٤٥۸۲	۰,٦۲۱۰
RNE	۰,٥۰۳۳٥۷	۳۷,۸۰۲۸۳	۰,۰۰۰۰
BS	-۰,۱۰۳۹۹۰	-۳,۹۸۱٥۲٤	۰,۰۰۰۱
FS	-۰,۰۰٤۷۹۲	-۲,۰۹۲۳۸٦	۰,۰۳٦۷
LEV	-۰,۰۹۷۱٤٦	-۲۳,۷۷٥۰٤	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰,۷٤۲۷۳٦	**آماره دوربین-واتسون**	۱,۷۸٦٥۸۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۷٤۱۰٦۲	آماره F	٤٤۳,٤٥۳۰
		سطح معنی داری	۰,۰۰۰۰۰۰

اکنون به بررسی جداگانه هر کدام از فرضیه‌های فرعی پرداخته می‌شود.

فرضیه فرعی اول

در این فرضیه، کیفیت سود (EQ)، متغیر وابسته و تفکیک بین پست‌های مدیر عامل و رییس هیأت مدیره، متغیر مستقل است. متغیر مستقل این فرضیه، از نوع موهومی است که به صورت صفر و یک بیان می‌شود یعنی چنانچه در یک شرکت، تصدی دو سمت بیان شده در

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

اختیار یک نفر باشد، به این متغیر عدد صفر اختصاص می‌یابد. اگر در شرکتی، تصدی این دو پست به طور هم زمان در اختیار یک نفر نباشد، این متغیر، عدد یک را دریافت می‌کند.

همان گونه که در جدول بالا نشان داده شده است، آماره t محاسبه شده برای این متغیر، ۰,۴۹۴۵ و احتمال متناظر با آن، ۰,۶۲۱۰ است. از آنجا که احتمال متناظر با این آماره، بزرگ‌تر از سطح قابل قبول معناداری یعنی ۵٪ است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵٪، بین تفکیک پست مدیر عامل از ریاست هیأت مدیره با کیفیت سود شرکت، ارتباط معناداری وجود ندارد. شاید بتوان دلیل این امر را این گونه بیان کرد که در برخی از شرکت‌ها، نه تنها عضویت در هیأت مدیره بلکه حتی ریاست هیأت مدیره، کاری ظاهری و تشریفاتی است؛ از این رو، از جانب اعضای هیأت مدیره و ریاست آن، نظارت خاصی بر عملکرد مدیر عامل شرکت انجام نمی‌شود. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه برخی پژوهش‌های خارجی همچون پژوهش چنگ و سان (۲۰۰۹)، باگات و بلتن (۲۰۰۸) و یرماخ (۱۹۹۶) سازگاری ندارد. آنها در بررسی خود دریافته‌اند که تفکیک بین دو پست مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره، تأثیر مستقیمی بر عملکرد شرکت دارد.

فرضیه فرعی دوم

در این فرضیه نیز، کیفیت سود شرکت، متغیر وابسته و نسبت مدیران غیرموظف هیأت مدیره (RNE)، متغیر مستقل می‌باشد. مدیران غیرموظف هیأت مدیره، آن دسته از اعضای هیأت مدیره هستند که در شرکت، هیچ سمت اجرایی ندارند. بر این اساس در می‌یابیم که نسبت اعضای غیرموظف، می‌تواند بین صفر تا یک در تغییر باشد؛ چرا که ممکن است در یک شرکت، تمامی‌اعضای هیأت مدیره، سمت اجرایی داشته باشند (در این حالت، نسبت اعضای غیرموظف برابر صفر است) یا آن که با کاهش تعداد اعضای دارای سمت اجرایی، این نسبت افزایش یابد به گونه‌ای که در بیشترین حالت ممکن، هیچ‌کدام از اعضا سمت اجرایی نداشته و در نتیجه، این نسبت به عدد یک می‌رسد.

با نگاه به جدول ۱ می‌بینیم که آماره t محاسبه شده برای متغیر نسبت مدیران غیرموظف هیأت مدیره، ۳۷,۸۰۲۸ است. احتمال متناظر با این آماره، ۰,۰۰۰ است که در سطح قابل قبول معناداری (۵٪) قرار دارد. از این رو، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵٪، بین نسبت مدیران غیرموظف هیأت مدیره با کیفیت سود شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد. دلیل این یافته را می‌توان این گونه بیان کرد که از آنجا که اعضای غیرموظف، هیچ گونه منافعی در شرکت ندارند پس تصمیم‌گیری‌های آنها بدون تعصب و جهت‌گیری خاصی بوده و در نتیجه،

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

ارقام مالی شرکت و از جمله سود گزارش شده، دارای کیفیت لازم هستند. با توجه به آنکه ضریب این متغیر، ۰,۵۰۳۳ است می‌توان دریافت که کیفیت سود با تعداد مدیران غیرموظف، ارتباطی مستقیم دارد. نتیجه آزمون این فرضیه، منطبق با یافته برخی دیگر از پژوهش‌هاست. افرادی همچون رامسی و مسر (۲۰۰۵) و بیزلی (۱۹۹۶) در پژوهش خود، میان تعداد مدیران غیرموظف با عملکرد شرکت یا کاهش احتمال تقلب در صورت‌های مالی، رابطه‌ای مثبت یافتند.

فرضیه فرعی سوم

در این فرضیه نیز کیفیت سود، متغیر وابسته و اندازه هیأت مدیره، متغیر مستقل است. در این فرضیه، متغیر مستقل، بیانگر تعداد اعضای هیأت مدیره است؛ حداقل تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت‌های مورد بررسی، ۵ نفر و حداکثر آن نیز ۷ نفر می‌باشد بنابراین در مشاهده‌های گوناگون شرکت‌ها، اعداد پنج، شش و هفت به این متغیر اختصاص می‌یابد. بر اساس ارقام جدول ۱ می‌بینیم که آماره t محاسبه شده برای متغیر اندازه هیأت مدیره، برابر ۳,۹۸۱۵- است. احتمال مرتبط با این آماره، ۰,۰۰۰ است که در محدوده قابل قبول معناداری قرار دارد. از این رو می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵٪، بین اندازه هیأت مدیره با کیفیت سود شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد. ضریب این متغیر، ۰,۱۰۳۹- می‌باشد بنابراین کیفیت سود، ارتباطی معکوس با اندازه هیأت مدیره شرکت دارد. وجود رابطه معکوس بین اندازه هیأت مدیره و کیفیت سود می‌تواند بیانگر این باشد که هر چه تعداد اعضای هیأت مدیره، افزایش یابد دست‌یابی به اتفاق نظر در خصوص تصمیم‌های تأثیر گذار بر وضعیت مالی شرکت و به دنبال آن نتایج عملیات شرکت، پیچیده‌تر خواهد بود؛ چرا که هر کدام از اعضا تلاش دارد تا منافع گروهی از سهامداران یا شرکت سرمایه‌گذاری را که از طرف آنها به عنوان عضو هیأت مدیره، انتخاب شده است تأمین نماید. تفاوت در منافع گروه‌های مختلفی که هر کدام عضو یا اعضایی از هیأت مدیره را برگزیده‌اند می‌تواند در دستیابی به توافق در خصوص تصمیم‌گیری‌ها مؤثر بوده و مانع از کسب توافق‌های با پشتوانه بسیار بالا شود. نتیجه آزمون این فرضیه، منطبق با یافته برخی پژوهش‌ها همچون وافیس (۲۰۰۰) و چنگ (۲۰۰۸) است. آنها در پژوهش‌های خود بین اندازه هیأت مدیره با محتوای اطلاعاتی سود و عملکرد شرکت، رابطه‌ای منفی پیدا کردند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۱۰- نتیجه‌گیری

در این پژوهش که از نوع توصیفی- همبستگی است تأثیر سه ویژگی از ویژگی‌های هیأت مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شامل تفکیک بین پست مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره، تعداد مدیران غیرموظف هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره بر کیفیت سود آنها مورد بررسی قرار گرفت. کیفیت سود بر اساس مفهوم رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد تعریف شده و با معیار نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی به سود عملیاتی ($\frac{CFO}{OE}$) اندازه گیری شده است. پس از مشخص نمودن جامعه و نمونه آماری و اطمینان از برقراری فرض‌های اولیه آزمون رگرسیون، فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که تفکیک بین دو پست مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره، تأثیر معناداری بر کیفیت سود شرکت ندارد اما تعداد مدیران غیرموظف هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره، ارتباط معناداری با کیفیت سود شرکت دارند. یافته‌ها بیانگر این است که بین اندازه هیأت مدیره و کیفیت سود، رابطه‌ای معکوس وجود دارد.

۱۱- پیشنهادات

پیشنهادهای حاصل از پژوهش

بر اساس نتایج آزمون فرضیه‌ها، پیشنهادهای گوناگونی را می‌توان ارائه نمود. از جمله این پیشنهادها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- با توجه به تأیید تأثیر تعداد اعضای غیرموظف و اندازه هیأت مدیره بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به این شرکت‌ها و سایر شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود به مقوله ویژگی‌های هیأت مدیره به ویژه در خصوص تعداد اعضای غیرموظف و اندازه هیأت مدیره شرکت، توجه بیشتری داشته باشند؛

۲- از آنجا که تأثیر سه ویژگی از ویژگی‌های هیأت مدیره بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد تأیید قرار گرفت به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود با استفاده از وسایل ارتباطی و رسانه‌ها، در جهت ارائه آموزش‌های لازم به سهامداران، سرمایه‌گذاران و سایر افراد مرتبط با حرفه حسابداری اقدام نماید چرا که این کار می‌تواند باعث افزایش آگاهی افراد و استفاده مطلوب‌تر از اطلاعات حسابداری به ویژه سود حسابداری شود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۳- با توجه به این‌که در این پژوهش، ارتباط معنادار و معکوس بین اندازه هیأت مدیره و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأیید شد به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود از نتایج این پژوهش در جهت بازخورد آیین‌نامه نظام راهبری منتشر شده توسط این سازمان به ویژه در خصوص تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها استفاده نماید.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

با توجه به اهمیت بالای دو مقوله کیفیت اطلاعات حسابداری به ویژه سود حسابداری و همچنین نظام راهبری شرکت که موجب حفظ منافع گروه‌های ذی‌نفع می‌شود، به نظر می‌رسد لازم است مطالعه و پژوهش‌های بیشتری در این دو زمینه و به خصوص درباره ارتباط این دو مقوله با یکدیگر صورت گیرد؛ چرا که انجام پژوهش‌های بیشتر باعث شناخت بهتر و دقیق‌تر ابعاد این دو موضوع بر اساس شرایط مختلف کشور می‌شود. این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنایی برای مطالعه‌های بعدی قرار گیرد. با توجه به آنکه هر دو جنبه این پژوهش، از ابعاد مختلفی برخوردار هستند پیشنهاد می‌شود زمینه‌های زیر، مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد:

۱- ارتباط بین حسابداری محافظه‌کارانه و نظام راهبری
۲- ارتباط بین مدیریت سود و نظام راهبری
۳- تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر نظام راهبری شرکت‌ها
۴- تأثیر ساختار فرهنگی کشور بر نظام راهبری شرکت‌ها
۵- ارتباط بین گزارش‌های حسابرسی و کیفیت سود
۶- ارتباط بین کیفیت سود با سایر ویژگی‌های هیأت مدیره همچون سطح تحصیلات، سابقه کاری، تعداد دوره‌های حضور در هیأت مدیره شرکت، تعداد عضویت همزمان در هیأت مدیره شرکت‌ها، جنسیت و...
۷- ارتباط بین نظام راهبری با سود ویژه، سود هر سهم و سود نقدی تقسیم شده

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

منابع

اسماعیلی، مریم، (۱۳۸۵). "بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۵، صص ۲۵-۴۴.

بولو، قاسم، (۱۳۸۵). "نظام راهبری شرکت و تأثیر آن بر کیفیت سود"، **بورس**، شماره ۵۲، صص ۸-۱۱.

رضایی، فاطمه، (۱۳۸۷). "بررسی تأثیر ترکیب هیأت مدیره بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات مالی**، شماره ۲۳، صص ۳۳-۴۸.

قنبری، فرحناز، (۱۳۸۶). **"بررسی تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت های سهامی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

Beasley, Mark, (1996). "An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud", **The Accounting Review,** 71, 443-465.

Sanjai, Bhagat, Brian, Bolton, (2008). "Corporate governance and firm performance", **Journal of Corporate Finance**, 14, 257–273.

Daily, C. M., D. R. Dalton, (1997). "Separate, But Not Independent: Board Leadership Structure in Large Corporations", **Corporate Governance: An International Review**, 5(3).

DeFond, M., Jiambalvo, J. (1994, January). "Debt covenants effects and the manipulation of accruals", **Journal of Accounting and Economics**, No. 17, pp. 145−176.

Del, Guercio, D., Hawkins, J. (1999). "The motivation and impact of pension fund activism", **Journal of Financial Economics**, No. 52, pp. 293−340.

Harris, T., E., Huh, P., Fairfield, (2000). **"Gauging profitability on the Road to valuation strategy report"**, Global Valuation and Accounting, Morgan Stanley Dean Witter.

Hermalin, B. E., Weisbach, M. S. (1991). "The effects of board composition and direct incentives on firm performance", **Financial Management**, Vol. 20, No. 4, pp. 101–112.

Hicks, J. (1939). **"Value and Capital"**, Oxford, UK. University Press.

Jui, Chin, Chang, Heuy, Lian, Sun, (2009). "Crossed-listed foreign firms, earnings informativeness, earnings management and disclosures of corporate governance information under SOX", **The International Journal of Accounting**, No. 44, pp. 1–32.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

Klein, A. (2002). "Audit committee, board of director characteristics, and earnings management", **Journal of Accounting and Economics**, No. 33, pp. 375–400.

Larcker, D. L., Richardson, S. A. (2006). **"Corporate governance and fees for non-audit services and accrual choices"**, Unpublished working paper, University of Pennsylvania.

Lobo, G. J., Zhou, J. (2006). "Did conservatism in financial reporting increase after the Sarbanes Oxley Act? Initial evidence", **Accounting Horizons**, Vol. 20, No. 1, pp. 57−73.

Peel, M., E. O'Donnell, (1995). "Board Structure, Corporate Performance and Auditor Independence", **Corporate Governance: An International Review**, Vol. 3, No. 4, pp. 207-217.

Penman, S. (2001). **"Financial statement Analysis and security valuation"**, New York, MY, McGraw- Hill.

Schipper, K., L. Vincent, (2003), "Earnings Quality", **Accounting Horizons**, No. 17, pp. 97–110.

Shijun, Cheng, (2008). "Board size and the variability of corporate performance", **Journal of Financial Economics**, No. 87, pp. 157–176.

Ramasay, A., Oei, R., P., Mather, (2005). **"Earnings quality and its relationship with aspects of corporate governance: an investor perspective",** www.afaanz.org/web2005/program.htm.

Vafeas, N. (2000). "Board structure and the informativeness of earnings", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 19, No. 2, pp. 139-160.

Watts, R., Zimmerman, J. (1978). "Towards a positive theory of the determination of accounting standards", **The Accounting Review**, No. 53, pp. 112−134.

Watts, R.,Zimmerman, J. (1986). **"Positive Accounting Theory"**, Englewood Cliffs, Prentice-Hall, Inc.

Wei, Jiang, Picheng, Lee, Asokan, Anandarajan, (2008). "The association between corporate governance and earnings quality; Further evidence using the GOV-Score", **Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting**, No. 24, pp. 191-201.

Yermack, D. (1996). "Higher market valuation of companies with small board of directors", **Journal of Financial Economics**, No. 40, pp. 185−211.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]